



## « الدرس الخامس » ❁

### « الصدق »

« ما أضمر أحد شيئاً إلا ظهر في فلتات لسانه و صفحات وجهه » (امام علی (ع))

« تا مرد سخن نگفته باشد عیب و مهرش نهفته باشد »

« رنگ رخساره خرمی دهد از سر دون »

#### ❁ درسنامه : جمله توصیفی

گاهی بعد از اسم نکره یک فعل یا یک جمله اسمیه ای می آید که درباره آن اسم نکره توضیحی می دهد ؛ این توضیح یک عبارت توصیفی است و در ترجمه این جمله توصیفی ابتدا حرف « که » ربط فارسی می آید. به جمله زیر توجه کنید:

جئتُ إلى مُعلِّمٍ يتكلمُ باللغة العربية : به سوی معلمی آمدم که به زبان عربی صحبت می کرد.

در جمله بالا « معلِّمٍ » اسم نکره و فعل « يتكلمُ » توصیفی برای آن اسم نکره است و با « که » ربطی ترجمه شده است، جمله توصیفی را جمله وصفی نیز می گویند.

نتیجه : جمله ای که بعد از اسم نکره می آید و آن را توصیف می کند ، جمله وصفی یا جمله توصیفی نامیده می شود. جمله توصیفی با « که » ربطی فارسی ترجمه می شود.

مثال : رأيتُ سيارَةً في الطريقِ تسيرُ بسرعة : ماشینی را در راه دیدم که به سرعت حرکت می کرد.

اسم نکره      فعل یا جمله توصیفی

**نکات:** ترجمه فعل توصیفی بستگی به فعلی دارد که در جمله قبل ، یعنی همراه آن اسم نکره آمده است . بنابراین ترجمه فعل توصیفی ممکن است به یکی از سه شکل زیر باشد .

### الف) ماضی + .... + مضارع ← ماضی استمراری

اگر فعل اول ماضی باشد و جمله توصیفی مضارع بیاید ، جمله وصفی به صورت ماضی استمراری ترجمه می شود. مانند دو مثال بالا و مثال زیر :

شَاهَدْتُ فِي الْغَابَةِ غُرَابًا يُحَدِّرُ بِصَوْتِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ عَنِ الْخَطَرِ: در جنگل کلاغی را دیدم که با صدایش بقیه حیوانات را به خطر هشدار می داد ( ماضی استمراری )

### ب) ماضی + ..... + (قد) ماضی ← ماضی ساده یا ماضی بعید

اگر فعل اول ماضی باشد فعل توصیفی هم ماضی باشد ، فعل دوم به صورت ماضی ساده یا ماضی بعید ترجمه می شود.

مثال: إِشْتَرَكْنَا فِي جَلْسَةٍ قَدْ دُرِّسَ فِيهَا رَسَائِلٌ عِلْمِيَّةٌ: در جلسه ای شرکت کردیم که در آن مقالات علمی درس داده شده بود (داده شد)  
فعل ماضی      قد + فعل ماضی ← ترجمه ماضی ساده یا ماضی بعید

در این فرمول قبل از فعل توصیفی ممکن است « قد » بیاید یا نیاید، مهم نیست. « قد » در این حالت فقط یک نشانه است و معنی نمی شود.

### ج) مضارع یا جمله اسمیه + ..... + مضارع ← مضارع التزامی یا مضارع اخباری

اگر فعل اول مضارع باشد یا جمله اول جمله اسمیه باشد و فعل دوم مضارع بیاید ، فعل توصیفی ( دوم ) مضارع التزامی یا مضارع اخباری ترجمه می شود.

مثال : يُبْعِدُ وَالِدُكَ عَنكَ كُلَّ شَيْءٍ يُقَرِّبُ مَنكَ مَا هُوَ مُزْعِجٌ لَكَ : پدرت از تو دور می کند هر چیزی را که تو را نزدیک کند ( نزدیک می کند ) به آنچه برایت ناراحت کننده است.

لِلخُفَّاشِ آذَانٌ يَسْتَفِيدُ مِنْهَا عِنْدَ الْحَرَكَةِ : خفاش گوش هایی دارد که از آن هنگام حرکت استفاده می کند.  
جمله اسمیه      مضارع ← ترجمه مضارع التزامی یا مضارع اخباری

تذکرات:

۱- زمان جمله اسمیه در حکم مضارع است.

۲- جمله توصیفی با حروف عطف « وَ ، فَ ، ثُمَّ ، أَوْ ، أَمْ ، بَل ، لَكِنْ ، ... » و حروفی که مضارع التزامی می سازند « أَنْ ، كَيْ ، لَكَيْ ، حَتَّى ، لِـ » و « لِأَنَّ » آغاز نمی شود.

۳- در جمله وصفی حتما ضمیری وجود دارد که به اسم نکره بر می گردد ، این ضمیر را « رابط » گوئیم.

مثال : جَلَسْنَا تَحْتَ أَشْجَارٍ خَضْرَاءٍ ظَلُّهَا لَطِيفٌ : در زیر درختان سبزی نشستیم که سایه شان لطیف بود.

اسم نکره      جمله اسمیه توصیفی : جمله توصیفی و ضمیر « ها » به « أَشْجَارٍ » که اسم نکره است بر می گردد.

۴- جمله توصیفی می تواند جمله اسمیه یا جمله فعلیه باشد مانند مثال های که تا کنون نوشته ایم.

۵- دقت کنید که جمله توصیفی همیشه بلافاصله پس از اسم نکره نمی آید گاهی بین موصوف ( اسم نکره ) و جمله وصفی فاصله ایجاد می شود، در این حالت توجه به ضمیر رابط به ما کمک می کند تا جمله توصیفی را تشخیص دهیم.

مثال : بَحَثَ الْمُدِيرُ عَنِ التَّلْمِيزِ فِي مَدْرَسَتِنَا يَجْتَهِدُ فِي اُمُورِهِ : مدير به دنبال دانش آموزی در مدرسه گشت که در کارهایش تلاش می کرد .  
اسم نکره      جمله یا فعل توصیفی ( با فاصله از اسم نکره آمده است )

۶- فعل شرطی که بعد از اسم نکره آمده است را با جواب شرط اشتباه نگیرید.

مثال: مَنْ يَجْتَهِدُ فِي اُمُورٍ يَنْجَحُ فِي حَيَاتِهِ! اُمُورِ اسم نکره است ولی « يَنْجَحُ » جواب شرط و مجزوم است.

۷- جمله وصفی از نظر اعراب ( حرکت آخر ) تابع موصوف خود ( اسم نکره ) است.

مثال : شاهدنا سَيَّارَةً تَذْهَبُ فِي الطَّرِيقِ مُسْرِعَةً! سَيَّارَةً اسم نکره و موصوف و مفعول و منصوب، تَذْهَبُ : فعل و فاعل و جمله توصیفی و منصوب و مبنی ( اگر نقش جمله ای را بنویسیم، چون آن علامت مخصوص نقش را نمی پذیرد بجایش می گوئیم مبنی، پس مبنی بودن در اینجا یعنی جمله مبنی است. ) / جمله در حکم مبنی است.

## دو نکته ی مهم در تست جمله وصفی :

۱- برای پاسخ دادن به تست هایی که جمله توصیفی را خواسته است، دقت کنید که ابتدا باید اسم نکره را در جمله پیدا کنید.

۲- ممکن است در تست تنوین اسم نکره را نگذارند و داوطلب باید تشخیص دهد اسم تنوین داشته است.

بنابراین اگر اسمی « ال » نداشته باشد و مضاف هم نباشد حتما باید تنوین بگیرد یعنی نکره است.

مثال : هَذَا هَدَفٌ نُرِيدُهُ فِي الْحَيَاةِ : این هدفی است که آن را در زندگی میخواهیم!

در این جمله « هدف » اسم نکره است و چون خبر است باید تنوین رفع بگیرد و فعل بعدش فعل توصیفی می شود و با « که » ترجمه شده است . چرا « هدف » تنوین گرفت ؟ چون نه « ال » دارد و نه مضاف است، پس اسم نکره است.

إخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْوَصْفِيَّةَ ( التَّوْصِيفِيَّةَ ) فِيهَا:

..... رأيتُ ولدًا في الشارع يمشى بسرعة !

..... كأنَّ إرضاءَ جميع النَّاسِ غايةٌ لا تُدرَكُ!

..... أفْتَشُّ عن مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي في فهمِ النُّصوصِ !

..... الكتابُ صديقٌ مُخلصٌ يُنقِذُكَ من مصيبةِ الجَهْلِ!

✓ تست: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْوَصْفِيَّةَ الَّتِي يُتَرَجَّمُ مع « كه » :

..... ( ١ ) « أتأمرونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ و تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ »

..... ( ٢ ) « قُلِ الْحَقُّ و إنْ كَانَ مُرًّا »

..... ( ٣ ) « أُخْتِي طَبِيبَةٌ مَاهِرَةٌ تُعَالِجُ المَرِيضَاتِ بِدِقَّةٍ »

..... ( ٤ ) « هناك بعض العبارات قد أصبحت كمثل سائر »

پاسخ تشریحی ( گزینه ٣ )

نگاه تستی به این سوال این است که اولاً اسم نکره در جمله پیدا کنیم ، ثانيا بعد از آن اسم نکره یک فعل یا یک جمله اسمیه آمده باشد . گزینه ها : ١ : اسم نکره ندارد.گزینه ٢ : اسم نکره آخر جمله ( مُرًّا ) آمده است و بعد از آن چیزی نیامده . گزینه ٣ : « طَبِيبَةٌ » اسم نکره و « مَاهِرَةٌ » صفت آن است و فعل « تُعَالِجُ » توصیفی است « خواهرم پزشک ماهری است که بیماران را با دقت معالجه می کند. » گزینه ٤ : مثل سائِر که موصوف و صفت هستند، اسم نکره می باشند ولی بعدشان فعل یا جمله توصیفی نیامده است.

تست: عَيِّنِ ما لَيْسَ فِيهِ جُمْلَةٌ وَ صَفِيَّةٌ :

..... ( ١ ) « اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ »

..... ( ٢ ) « اُرِيْدُ اَرْحَصَ سِرْوَالٍ تَتَّبِعُ فِي مَتَجَرِّكَ! »

..... ( ٣ ) « اِشْتَرَكَ التَّلَامِيذُ فِي جُلْسَةِ فِيهَا الْآبَاءُ وَ الْاُمَّهَاتِ »

..... ( ٤ ) « رَأَيْتُ طِفْلاً وَ هُوَ يَنْظُرُ هَذِهِ الصَّخْرَةَ الْعَظِيْمَةَ »

پاسخ ( گزینه ٤ ):

نگاه اول پیدا کردن اسم نکره با جمله یا فعل بعدش :

گزینه ١: «نفس» اسم نکره، «لَا تَشْبَعُ» فعل توصیفی است: خدایا من از نفسی که سیر نمی شود به تو پناه می برم.گزینه ٢: « سِرْوَالِ » اسم نکره ، « تَتَّبِعُ » فعل توصیفی است: ارزان ترین شلواری را می خواهم که در مغازه ات می فروشی.گزینه ٣: « جُلْسَةُ » اسم نکره، « فِيهَا الْآبَاءُ وَ الْاُمَّهَاتِ » جمله اسمیه و توصیفی است ( فيها : خبر ، الْآبَاءُ : مبتدا ) : دانش آموزان در جلسه ای شرکت کردند که پدران و مادران در آن بودند. گزینه ٤ : « طِفْلاً » اسم نکره است و جمله بعدش با « و » شروع شده است که دیگر این جمله توصیفی به شمار نمی آید، ولی می توان این « و » را به همراه « هو » از جمله حذف کرد تا « فَعْلٌ يَنْظُرُ » توصیفی شود: « رَأَيْتُ طِفْلاً يَنْظُرُ هَذِهِ الصَّخْرَةَ الْعَظِيْمَةَ » کودکی را دیدم که به این صخره بزرگ نگاه می کرد.

